

مدرسه دارالفنون

(۹)

بی‌مناسبت نیست در اینجا گزارش امتحاناتی که در دوماه آخر سال ۱۲۷۴ قمری از شاگردان شده و پادشاهی که شاگردان ساعی گرفته‌اند از روزنامه وقایع اتفاقیه (شماره: ۳۹۴ مورخ ۵ شنبه نهم محرم) آورده شود :

دوچون هر ساله مقرر است که حسب الامر اولیای دولت قاهره شاگردان مدرسه دارالفنون را به معرض امتحان درمی آورند تا هر کس ترقی کرده باشد مورد التفات و مرحمت گردد و هر کس تکاهل و تغافل در تحصیل کرده است مستوجب تنبیه و اخراج شود، لهذا دوماه قبل را حسب الامر اقدس همایون شاهنشاهی خداالله ملکه نواب والا اعتضاد السلطنه رئیس مدرسه دارالفنون و نواب والا نایب‌الایاله فرهاد میرزا و مقرب الخاقان مشیرالدوله، و عالیجناب آخوند ملاعلی محمد و مهندس باشی و جمعی از حکیم‌باشیان ایرانی و فرنگی و اشخاصی که از این علوم با بهره بودند و در زبان فرانسه مهارت داشتند یک‌ماه متوالی هر روزه نشسته شاگردان را فرداً فرد در کمال دقت و غوررسی از جمیع مراتب علومی که دیده بودند امتحان کردند. الحق غالب از شاگردان بسیار خوب ترقی کرده بودند. بعد از اختتام مجالس امتحان در خدمت نواب اعتضاد السلطنه به حضور جناب جلال‌تمآب اشرف امجدافخم صدراعظم رسانیدند و جناب معظم‌الیه در خور و اندازه مراتب ترقی هر کس اضافه موجب و نشان و انعام و خلعت در تحت اسم او معین فرمودند و ثانیاً به رسم هر سال کتابچه‌ای مشروح و مفصل، در کمال امتیاز، به جهت عرض حضور اقدس همایون نوشتند و به نظر مقرب الخاقان نتیجه الوزراء العظام وزیر لشکر رسانده در کمال دقت غور رسی کردند و در روز یکشنبه این هفته حسب الامر اقدس در حضور مبارک سلام خاصی از شاهزادگان بزرگ و امرا و اعیان و بزرگان اهل نظام و مستوفیان منعقد شده جناب جلال‌تمآب اشرف صدراعظم و جناب جلال‌تمآب نظام‌الملک حاضر شدند و شاگردان را صف به صف با معلم و مترجم هر صنفی در جای خود قرار دادند. نواب اعتضاد السلطنه در پیش روی مبارک ایستاده و مقرب الخاقان نتیجه الوزراء العظام وزیر لشکر کتابچه امتحان را در دست گسرفته و امین لشکر

در پهلوی ایشان ایستاده و نشانها و خلمت و کبسه های انعام را در مجموعه های طلا و نقره ، مقرب الخاقان معیر الممالک ، و آقامحمد حسن و میرزا هاشم خان حاضر کرده ایستادند ، و احکام نظامی و فرامین منصب و مواجب و نشان را در مجموعه گذاشته در دست عالیجاه جبرئیل خان نایب آجودان باشی پهلوی عالیجاه میرزا یوسف ایستاده ، مقرب الخاقان نتیجه الوزراء العظام وزیر لشکر شروع به عرض کتابچه کرد . اسم هر کس که عرض می شد عالیجاه رضا قلیخان ناظم دارالفنون که در حضور ایستاده بود فرداً فرد آورده مستحق هر یک از انعام و نشان و خلمت و حکم که می شد اشخاص مفصله به دست نواب اعتضاد السلطنه می دادند و معززی الیه می داد تا به این ترتیب جمیع معلمین و مترجمین و متعلمین و غیره از حضور همایون گذشتند .

در پایان هر امتحان ، شاه به معلمانی که در تربیت شاگردان کوشش کرده بودند ، و به ممتحنان به تناسب خدمت ، خلمت و جایزه می بخشید . مثلاً پس از بر گذاری امتحانات سال ۱۲۷۸ به شاهزاده اعتضاد السلطنه وزیر علوم که در انتظام امور مدرسه و خدمات محوله به خود کمال سعی و اهتمام را نموده بود یک قطعه نشان از مرتبه اول امیر تومانی بایک رشته حمایل مخصوص آن مرتبه اعطا کرد . نایب الایاله فرهاد میرزا را که از شاگردان امتحان بعمل آورده بود یک قطعه نشان طلا از مرتبه اول مدرسه و یک رشته حمایل امیر تومانی داد . به رضا قلیخان رئیس مدرسه چون در انتظام امور دارالفنون سعی وافیه و جهد کافی نموده بود یک قطعه نشان سرهنگی و یک رشته حمایل درجه اول سرهنگی ، و یک طاقه شال ترمه و پنجاه تومان انعام اعطا کرد ، و به محمد حسین خان قاجار که در مدرسه مشغول ترجمه درس طب بود یک قطعه نشان طلا و یک طاقه شال کرمانی به رسم خلمت بخشید .

محمد حسین خان اصفهانی را هم که در مدرسه مشغول تحصیل علم ریاضی و حساب و هندسه بود و مهارت کامل حاصل کرده و فارغ التحصیل شده بود به منصب آجودانی مدرسه سرافراز و به اعطای نشان طلا و هفتاد تومان اضافه مواجب و بیست تومان انعام سرافراز کرد . به موسیو بنزک ناظم علوم مدرسه یک طاقه شال کرمانی ، به میرزا عبدالغفار پسر ملا علی محمد مهندس معلم علوم ریاضی یک قطعه نشان و بیست تومان انعام داد .

شاگردان صنف نظام هر روز دوسه ساعت فنون سپاهیگری می آموختند . افراد پیاده نظام در میدان مشق تعلیمات رشته خود را تمرین می کردند و شاگردان قسمت توپخانه و قلعه سازی زیر نظر موسیو بنزک که معلم این رشته بود تیراندازی با توپ و ساختن استحکامات را فرامی گرفتند . چنانکه قبلاً گفته شد شاهزاده علیقلی میرزا هم وزیر علوم بود هم رئیس دارالفنون ، اما عملاً رضا قلی خان هدایت معروف به الله باشی (۱) مدرسه را اداره می کرد و نزدیک هجده

۱- رضا قلیخان متخلص به هدایت معروف به الله باشی یک ساعت پیش از بر آمدن آفتاب روز ۱۵ محرم ۱۲۱۵ هجری قمری در تهران تولد یافت . در خدمت محمد مهدی خان شهنشه کسب دانش و ادب کرد . فتحعلیشاه به اولقب امیر الشعرا داد و در سال ۱۲۵۴ تربیت عباس میرزا به وی سپرده شد . (به همین جهت به الله باشی معروف شد) هدایت که از دانشمندان بنام زمان خود بود در نیمه ماه ربیع الثانی سال ۱۲۸۸ به ناخوشی استسقا درگذشت . از آثار اوست: ←

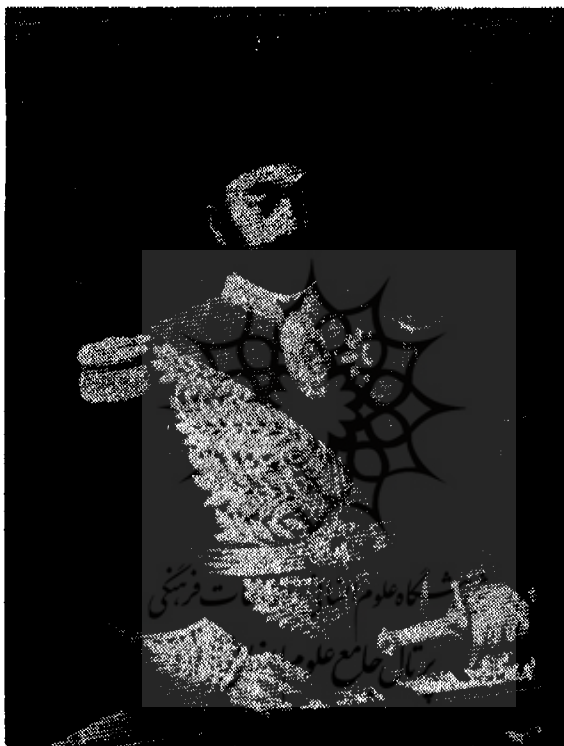


شَيْخُ صَفِيٍّ حُجْرِيٍّ مَغْفُورٍ رِضَا فُلَيْحِيٍّ مَلَقَبًا بِأَمِيرِ الشُّعْبِ
وَمُتَخَصِّصًا بِدَانِيَّطَا ابْنِ تَرَاهُ مَوْلَى كَلْبِ مَسْطُورِ بْنِ الْعَارِ

سال بر سر این کار بود، پس از آن به پیشکاری مظفرالدین میرزا ولیعهد به تبریز رفت. محمد حسین خان اصفهانی معروف به ادیب‌الدوله هم آجودان مدرسه بود.

پس از رضاقلیخان پسرش علی‌قلیخان مخبرالدوله رئیس دارالفنون شد اما او نیز به سبب مأموریت‌های متوالی به خارج، و مشاغل دیگر کمتر فرصت رسیدگی به کارهای مدرسه می‌یافت و به جای او برادرش جعفرقلی خان نیرالملک امور دارالفنون را اداره میکرد و به حقیقت رئیس مدرسه او بود.

جعفرقلیخان خود از تربیت یافتگان دارالفنون بود، در نقشه‌کشی مهارت داشت ۱

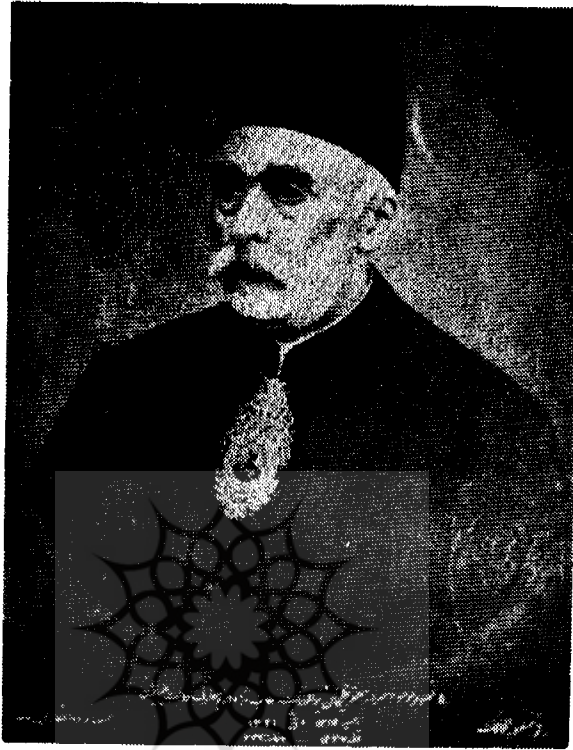


علی‌قلی خان مخبرالدوله

→ تذکره‌های مجمع الفصحاء و ریاض العارفین - کتب: اجمل التواریخ - سفرنامه خوارزم - فرهنگ انجمن آرای ناصری - منهج الهدایه - فهرس التواریخ - مظاهر الانوار - اصول الفصول فی حصول الوصول - روضة الصفا ناصری. لطائف المعارف - گلستان ارم - انیس العاشقین - مدارج - البلاغه - مفتاح الکنوز - بحر الحقایق و چند رساله منشور و منظوم دیگر.

۱-... نقشه اراضی شهر جدیددارالخلافة ناصری را جعفرقلیخان رئیس مدرسه و میرزا عبدالغفار معلم کل علوم ریاضی با بیست نفر از مهندسين قریب هشت‌ماه بود به مساحت اراضی و ←

او مردی خوشخوی و نسبت به شاگردان بسی مهربان بود و در کارهای عملی و علمی به آنها مساعدت و راهنمایی می کرد ۱ و به افتادگان و بینوایان محبت و احسان می ورزید .



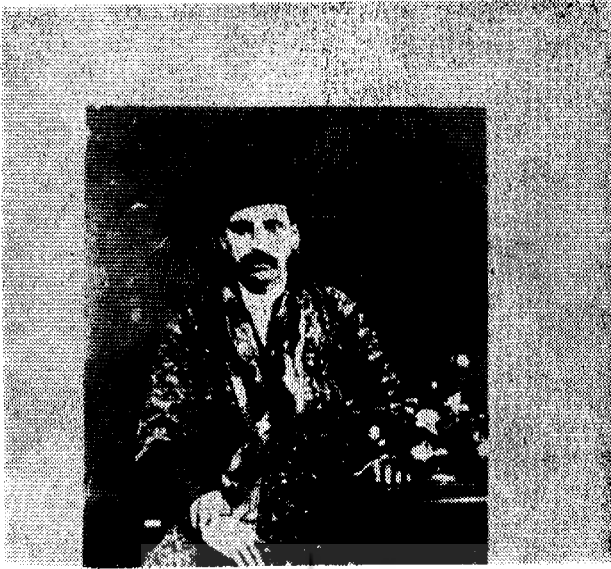
جعفر قلی خان

در زمان ریاست جعفر قلیخان محمد حسین خان ناظم، محمد تقی میرزا سرهنکه آجودان

→ کشیدن آن مشغول بودند . در نهایت خوبی و خالی از عیب و نقص کشیده به توسط اعتضاد السلطنه وزیر علوم به حضور مبارک برده بعد از ملاحظه و مطالعه مطبوع طبع مشکل پسند همایونی گشته به بذل سه هزار تومان انعام قرین ملاطفت و اعزاز گردید . شماره ۶۴۱ روزنامه دولت علیه ایران مورخ ۵شنبه ۲۶ محرم ۱۲۸۷ .

۱-... اسباب تلمیه که چندی قبل از پاریس آورده بودند بدون آنکه نقشه او را آورده یا استاد این عمل آمده باشد جعفر قلیخان رئیس مدرسه مبارکه با چند نفر از شاگردان دیگر اسباب آن را به یکدیگر نصب و متصل کرده در کمال سهولت نزدیک میدان مشق سوار کردند و آب هم به خوبی و پاکیزگی بالا آمد ...

(شماره ۵۲۹ روزنامه دولت علیه ایران مورخ ۵شنبه ۲۲ ربیع الاول سال ۱۲۷۹)



محمد ابراهیم خان سرهننگ

مدرسه ۱ محمد ابراهیم خان سرهننگ تحویلدار، میرزا علی اکبر خان ناظر، اسدالله خان کتابدار،
میرزا اسحق سررشته‌دار و محاسب، و میرزا محمد حسین رئیس‌الکتاب احکام نویسنده مدرسه بود.
نا تمام

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- محمد تقی میرزا آجودان که او را شاهزاده آجودان هم می‌گفتند پسری داشت بنام صمد.
محمد تقی میرزا آرزو داشت پسرش مرتب‌تری بلند یابد و به این امید در تر بیتش رنج بسیاری کشید،
اما صمد با آنهمه توجه و مراقبت پدر به جایی نرسید و ناچار مطربی و آواز خوانی و مسخرگی
پیشه کرد. هر وقت او را برای خواندن آواز و مطربی به بزمی می‌خواندند اگر فرصت و مناسب
حال و مقام می‌یافت، از شور و بختی، ضمن خواندن آواز این رباعی را هم می‌خواند :

صد داد ز دست فلک شعبده باز شهزاده به ذلت و گدا زاده به ناز
نرگس ز برهنگی سرافکننده به پیش صد پیرهن حریر پوشیده پیاز
و وقتی دو کلمه « شهزاده به ذلت » به زبانش می‌گذشت با دست به خود اشارت می‌کرد
و آن دم که « گدا زاده به ناز » می‌خواند به زهر خند و حسرت به صاحب مجلس یا کسی که نسب
عالی نداشت و مرتبت یافته بود اشارت می‌کرد .

تودیع

در فروردین ۱۳۲۶ هنگام عزیمت استاد دکتر عیسی صدیق به اروپا شاگردان آن جناب که همه از فرهنگیان مؤثر بودند جلسه‌ای در تودیع تشکیل دادند . مرحوم ادیب‌السلطنه سمیعی ، و دکتر شفق ، و وزیر فرهنگ وقت ، و دیگران سخنانی در تجلیل آن جناب گفتند . این قطعه را حبیب یغمائی در آن مجلس خواند که اکنون بیاد آن عهد ثبت می‌افتد:

سفر بخیر و، تنت بی‌گزند و خاطر شاد	خسداى جل جلاله نگاهبان تو باد
همیشه در دل و در چشم دوستان هستی	اگر چه می‌روی؛ اما نمی‌روی از یاد
کجا زیاد توان بردن اوستادی را	کز اوست تربیت هر معلم استاد؟
چرا ز مهر نبوسند پاک دستی را	که دستگاه ادب را اساس و پایه نهاد
عزیز و محترمی، چون عزیز و محترمند	به پیش اهل نظر مردمان پاک نهاد
خوش آن زمان که از این راه باز کردی و ما	دوباره جمع شویم از پی مبارک باد
هزار هدیه نو از جهان نو آری	کز آن شود مگر این کشور کهن آباد
چراغ علم بر افروزی و، بر افرازی	عمارتی که فکندی بدست خود بنیاد
همان دعوات که گفتم نخست، گویم باز:	سفر بخیر و تنت بی‌گزند و خاطر شاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

